

دشمن آشکار

نگاهی به مجموعه ۱۱ جلدی اسناد لانه جاسوسی آمریکا

محمدعلی قربانی

گزارش‌های مستند دخالت آمریکا در امور داخلی ایران و طراحی توطئه‌های مختلف قبل و بعد از پیروزی انقلاب آشکار شد. همچنین به دلیل حمایت امام خمینی (ره) از این اقدام، افشاگری درباره سیاست‌ها و روش‌های آمریکا در برخورد با تحولات ایران و سایر کشورها آغاز گردید. امام (ره) رهبری حرکت دانشجویان را شخصاً برعهده گرفت و مبارزه علیه ریشه‌های نفوذ آمریکا در ایران به اوج رسید. امام خمینی (ره) از این حرکت دانشجویان که می‌توانست به تهدیدی علیه منافع ملی ایران تبدیل شود، فرصتی ایجاد کرد که در مدیریت بحران‌ها کم‌نظیر است. هوشیاری امام (ره) در رهبری حرکت دانشجویان، از یکسو به خلع سلاح تبلیغاتی جریان‌های چپ در کشور، که انقلاب را به سازش در برابر آمریکا متهم می‌کردند، انجامید و از سوی دیگر انزوای جریان‌های لیبرالیستی را که تصور می‌کردند باید با آمریکا از در سازش درآمد و حرکت انقلاب را در چارچوب مبارزه علیه استبداد ستم‌شاهی محدود کرد، در پی داشت. علاوه بر این، امام خمینی (ره) با استفاده از شرایط تاریخی و با استفاده از شور انقلابی ناشی از تصرف لانه جاسوسی، به اهدافی که برای تثبیت انقلاب اسلامی لازم بود تحقق بخشید. برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸؛ برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران در ۵ بهمن ۱۳۵۸ و تشکیل اولین مجلس شورای اسلامی در ۷ خرداد ۱۳۵۹ سه واقعه مهم در ۴۴۴ روز گروگان‌گیری در کشور بود. نظر امام خمینی (ره) درباره مبارزه علیه استبداد سلطنتی و سلطه استعماری به‌طور توأمان، پس از تصرف لانه جاسوسی به اثبات

همانا شیطان دشمن آشکار و واضح انسان است... لکن کیدها و حيله‌هايش ضعيف و سست است. (سوره يوسف: ۵)

حرکتی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره) در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران آغاز کردند، بی‌تردید در تاریخ مبارزات ملت‌های تحت سلطه، نقطه عطف به شمار می‌رود. دانشجویان با داشتن تحلیل دقیق از روند حوادثی که سعی داشت انقلاب اسلامی را به انحراف بکشاند و با انجام این حرکت، دست به اقدامی زدند که از نگاه امام خمینی (ره) انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول بود. برای درک این تعبیر لازم است ابعاد پیچیده این حرکت از جنبه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. حرکت دانشجویان تداوم حرکتی بود که از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسیده بود؛ اما انقلاب اسلامی نمی‌توانست بدون خشکاندن ریشه‌های استعمار به حیات خود ادامه دهد و مردم ایران باید مبارزه خود را برای جلوگیری از تکرار تجربه تاریخی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در داخل کشور ادامه می‌دادند. دانشجویان می‌دانستند به دلیل مغایرت حرکت آن‌ها با کنوانسیون وین، اقدامشان، نزد دولت‌ها و مجامع بین‌المللی پذیرفته نیست، از این‌رو قصد داشتند تنها با تصرف ۴۸ ساعته یا حداکثر ۷۲ ساعته سفارت آمریکا اعتراض خود را به پذیرفتن شاه توسط آمریکا و اقداماتی نظیر آنچه در قبال دولت مصدق رخ داده بود به جهان نشان دهند. اما هنگامی که اسناد موجود در سفارت به دست آمد،

رسید. چه با افشای اسناد لائنه جاسوسی، در عمل مشخص شد که اگر مبارزه را به سقوط نظام استبدادی محدود می‌کردیم، باز هم امکان توطئه دشمنان و تکرار حوادث تلخ گذشته وجود داشت؛ و آنچه این نظریه را تأیید کرد، تحقیق عمیق در اسناد لائنه جاسوسی آمریکاست.

علاوه بر این، حرکت دانشجویان و رهبری صحیح امام (ره)، اُبهت ظاهری و هیمنه آمریکایی‌ها را در جهان فرو ریخت. نه آمریکایی‌ها و نه مردم جهان، هرگز تصور نمی‌کردند که بتوان ۵۲ گروهان آمریکایی را به مدت ۴۴۴ روز نگه داشت و آمریکا نیز نتواند هیچ کاری انجام دهد. تسخیر لائنه جاسوسی آمریکا در تهران، به همهٔ ستم‌کشیدگان جرئت داد تا برای رهایی خود از سلطهٔ آمریکا دست‌به‌کار شوند. آمریکایی‌ها متوجه شدند که از این پس اعمال و رفتارشان بی‌پاسخ خواهد ماند و با واکنش ملت‌ها روبه‌رو خواهند شد، آن هم واکنشی که الزاماً در چارچوب مقررات بین‌المللی نخواهد بود. همان‌طور که رفتارهای سلطه‌جویان نیز، حتی در چارچوب همان قوانین خودساخته‌شان نیز نبود.

نکتهٔ دیگر اینکه دانشجویان الگویی از رفتار مناسب با گروهان‌ها را نشان دادند. اگر دولت آمریکا رفتارهای نابهنجاری نداشت، گروهان‌ها این مدت طولانی در اسارت نبودند. الگوی رفتاری دانشجویان مرز میان اعتراض با شیوه‌های انسانی و اسلامی و حرکات غیرانسانی بود.

اسناد لائنه جاسوسی

از بزرگ‌ترین دستاوردهای حرکت دانشجویان، افشای اسنادی است که در این رویداد به دست آمد. امروز، با آنکه بیش از چند دهه از تصرف لائنه جاسوسی آمریکا گذشته است، این اسناد می‌تواند موضوع پژوهش‌های دانشگاهی در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترای رشته‌های تاریخ، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار گیرد، اگرچه متأسفانه نه در ایران و نه در سایر کشورهای جهان، آن‌طور که شایسته است کار درخور توجهی در این زمینه انجام نمی‌گیرد. البته با توجه به نفوذ ایالات متحده در اکثر مراکز دانشگاهی جهان و اعلام ممنوعیت ورود کتاب‌های حاوی اسناد لائنه جاسوسی به آمریکا، این بی‌توجهی عمدی در غرب دور از انتظار نیست، اما غفلت از این موضوع در داخل کشور توجیه‌پذیر نیست. اسناد منتشرشده، ده‌ها موضوع کوچک و بزرگ در شیوه‌های اعمال سلطه و نحوهٔ مداخله در امور ایران و سایر کشورها توسط آمریکا را نشان می‌دهد. این اسناد می‌گوید که بین جناح‌های امنیتی (سازمان سیا)، نظامی (پنتاگون) و سیاسی (وزارت امور خارجه) اختلاف‌نظرها و تحلیل‌های متفاوتی وجود داشته است. خاطرات منتشرشدهٔ متصدیان آمریکایی نشان می‌دهد که آنچه در مورد غربی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها دربارهٔ برنامه‌ریزی‌های دقیق و بلندمدت تبلیغ می‌شود، عمدتاً اغراق‌آمیز و به دور از واقعیت است. اسناد و خاطرات نشان می‌دهد که در آمریکا اختلاف نظرات عمیقی وجود دارد

تسخیر لائنه
جاسوسی آمریکا
در تهران، به همهٔ
ستم‌کشیدگان
جرئت داد تا
برای رهایی خود
از سلطهٔ آمریکا
دست‌به‌کار شوند.
آمریکایی‌ها
متوجه شدند که
از این پس اعمال
و رفتارشان
بی‌پاسخ خواهد
ماند و با واکنش
ملت‌ها روبه‌رو
خواهند شد



و گاهی این اختلاف‌ها به حذف طرف مقابل به هر وسیله و شیوه‌ای می‌انجامد. به‌علاوه، این تفکر که ابرقدرت‌ها برای ده‌ها سال آینده برنامه‌ریزی کرده و دیگران تنها مجری سیاست‌های از پیش تعیین‌شده آن‌ها هستند با تردید جدی روبه‌رو می‌شود. اسناد نشان می‌دهد که ابرقدرت‌ها چقدر در برابر اقدام‌های غافلگیرانه ضعیف هستند. این مسئله، به‌ویژه در بررسی مدیریت بحران توسط دستگاه حاکمیت وقت آمریکا بسیار قابل توجه است. به‌عنوان نمونه اختلاف نظر **سایروس ونس** وزیر خارجه و **سولویان** سفیر سابق آمریکا در تهران از یکسو با **برژینسکی** مشاور امنیت ملی کارتر و **والتر ماندیل** معاون رئیس‌جمهور از سوی دیگر، تا آنجا پیش می‌رود که کارتر به اجبار **هایزر** را برای اخذ تصمیم دقیق درباره نحوه مواجهه با انقلاب اسلامی به تهران پیش از انقلاب اسلامی اعزام می‌کند. در نمونه دیگر، مخالفت **سایروس ونس** با تجاوز نظامی آمریکا به طیس تا آنجا پیش می‌رود که وی استعفا داده و **ادموند ماسکی** جای او را می‌گیرد.

اطلاعیه افشاگری شماره ۱

مردم مسلمان ایران! از آنجایی که اشغال سفارت آمریکا به اعتبار حرکت ضد امپریالیستی امام خمینی (ره) و مردم بوده است، ما دانشجویان مستقر در سفارت لازم می‌دانیم محتوای اسناد به‌دست‌آمده را مشخصاً ارائه نماییم. لازم به تذکر است که تمامی اسناد مهم در سفارت متمرکز و طبقه‌بندی شده بود و در حین اشغال سفارت کارکنان مزدور در سفارت توانستند طبق برنامه از قبل تعیین‌شده با استفاده از دستگاه‌های برش و خردکننده کاغذ، پرونده‌ها و حافظه‌ها و نوارهای کامپیوتری را از بین ببرند که بقایای غیرقابل استفاده آن‌ها به‌صورت خرده کاغذ و کاغذ رشته‌رشته شده موجود است. تنها مقداری پرونده و اسناد موجود است که داری مشخصات زیر است:

۱. بعضی از اسناد مهم باقی‌مانده کاملاً سرّی بوده و با حروف رمز نوشته شده است.
۲. اسناد راجع به موضوعات پیچیده‌ای است که نمی‌توان بدون صرف چندین روز وقت اطلاعاتی از آن کسب نمود.
۳. بسیاری از اسناد دنباله‌دار و سیستماتیک است و احتیاج به زمانی طولانی جهت کشف ارتباط بین آن‌ها دارد.
۴. بسیاری از اسناد احتیاج به تخصص‌های نظامی و اطلاعاتی دارد که [فهم آن‌ها] از قدرت ما خارج است. لذا با توجه به نکات فوق کلاً

سال گذشته واحد اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مجموعه اسناد لانه جاسوسی را که قبلاً توسط دانشجویان پیرو خط امام در ۷۴ جلد منتشر شده بود در ۸ جلد به همراه یک جلد کتاب منتشرنشده به بازار نشر عرضه کرد. در مجموعه جدید، برای کاهش حجم صفحات و سهولت استفاده محققین، متن اسناد حروف‌چینی (با قابلیت جست‌وجو در متن CD) شده و تصاویر اسناد هر جلد نیز در یک قطعه به همراه کتاب ارائه گردیده است. در هر جلد از مجموعه، علاوه بر فهرست مطالب در ابتدا، فهرست اعلام نیز در پایان کتاب آمده است. همچنین، برای حفظ اصالت متن اولیه، که اینک یک سند تاریخی شمرده می‌شود، متن پیشین عیناً در حروف‌چینی چاپ جدید نیز آمده و ضمن رعایت امانت‌داری، هیچ‌گونه دخل و تصرفی در محتوا و متن اسناد انجام نشده است. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی امیدوار است در آینده، بخش دیگری از اسناد لانه جاسوسی را که تاکنون منتشر نشده است به بازار کتاب عرضه کنند. در مقدمه این مجموعه می‌خوانیم:

کتاب حاضر که تحت عنوان اسناد لانه

برداشت از اسناد و اطلاعات به دست آمده بعد از کوشش‌های فراوان توانسته است به نتیجه مطلوب برسد؛ اما نتیجه کوشش‌های ما اطلاعاتی است که عمدتاً خطوطی کلی و در بعضی از موارد خطوط مشخص سیاست سیاسی، نظامی و اطلاعاتی جاسوسخانه آمریکا در ایران را روشن می‌نماید. طبق اسناد به دست آمده در این سفارتخانه، اطلاعات دقیقی راجع به شخصیت‌های مختلف انقلاب و سازمان‌های سیاسی نظامی جمع‌آوری شده است که به شکل پرونده‌های مفصلی نگهداری می‌شود.

اسناد به دست آمده حاکی از سیستمی است که اطلاعات لازم را از ارتش جمهوری اسلامی و نحوه عملکرد آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وضعیت وزارتخانه‌ها جمع‌آوری کرده و در اختیار مقامات آمریکایی قرار داده‌اند.

انواع و اقسام تحلیل‌ها از اوضاع ایران، جریان‌ات کردستان و خوزستان و چگونگی حضور و عملکرد آن‌ها در جریان‌ات این مناطق همگی بیانگر یک حرکت کامل اطلاعاتی در جریان‌ات اخیر است. از جمله حضور یک هیئت پنج‌نفری نظامی که با پاسپورت دیپلماتیک تمامی مسائل نظامی ایران را زیر نظر و تحلیل خود داشته است همچنین مشخص گردیده است که پرسنل آمریکایی سفارت همگی در خدمت واحد اطلاعاتی و جاسوسی بوده‌اند. این افراد که در اسناد به نام «دایره کلید» نامیده می‌شده‌اند از دولت آمریکا تقاضای تفنگدار دریایی جهت حفاظت سفارت نموده‌اند. همچنین از مرکز الکترونیک و کامپیوتری سفارت که در داخل یک گاوصندوق چند اتاقه قرار دارد می‌توانسته‌اند مستقیماً با دستگاه‌های بسیار قوی تلفن و تلکس و تلگراف با آمریکا تماس بگیرند و اطلاعات را در اسرع وقت رد و بدل کنند. در صورتی که می‌دانیم سفارتخانه‌ها فقط جنبه دیپلماتیک داشته و حفاظت آن بر دولت میزبان است و حق دخالت در امور داخلی کشور را به هیچ وجه ندارد چه رسد به جاسوسی و طرح توطئه‌ها و استقرار یک سیستم اطلاعاتی در مملکت جهت خدمت به منافع کثیف امپریالیسم خون‌خوار آمریکا در ایران. کسب اطلاعات در یک سیستم سازمان‌یافته در خدمت سیا و دولت مستکبر آمریکاست و بر اساس آن طرح توطئه و به تبع، زمینه ایجاد کردن جهت نفوذ در ارگان‌های انقلابی و اجرایی و به انحراف کشیدن انقلابی که

حاصل خون یک‌صد هزار شهید به خاک و خون غلتیده خلق مسلمان ایران است.

ما با تمام محدودیت‌هایی که در کشف اسناد ناقص به دست آمده داریم و با توجه به اینکه اسناد اصلی توسط مزدوران از بین رفته است کوشش فراوان داریم که جهت اطلاع دقیق و هر چه بیشتر مردم مسلمان با اطلاعیه‌های افشاگرانه بعدی به‌طور مشخص محتویات اسناد به دست آمده را ارائه نماییم.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام(ره)

اهداف آمریکا

یکی دیگر از موارد بسیار فراوانی که در اسناد لائۀ جاسوسی به چشم می‌خورد بررسی اهداف و منافع آمریکا در ایران و راه‌های نیل به آن‌هاست، که این همانا اصلی‌ترین هدف تأسیس و ایجاد لائۀ جاسوسی است. از آنجا که تعداد این اسناد بسیار زیاد است به چند نمونه آن به اجمال اشاره می‌کنیم: ابتدا به اسنادی اشاره می‌کنیم که نشان



از دلایل اهمیت فراوان ایران برای آمریکا دارد:

پروژه همکاری امنیتی نظامی برای سال ۸۳-۱۹۷۹

۱. اهمیت استراتژیک

اهمیت ایران، در درجه اول، به واسطه موقعیت کلیدی‌اش در مجاورت اتحاد شوروی و نقش فزاینده رهبری آن در منطقه خلیج فارس و ناحیه ساحلی اقیانوس هند و موقعیتش به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت در دنیا و خریدار تولیدات ایالات متحده، می‌باشد. با وجود اثبات و در جهت غرب، ایران به دادن حقوق، اختیارات و امکانات به ایالات متحده به صورت دو جانبه و از طریق همکاری در داخل شبکه سنتو ادامه می‌دهد. نفت ایران برای دنیای آزاد اهمیت فزاینده‌ای خواهد داشت.

۲. هدف‌های همکاری امنیتی ایالات متحده

الف. کمک به ایران در برقراری یک پایگاه بسیج توانا و مناسب.

ب. ترغیب به مشارکت فعال در مجامع امنیتی طرفدار غرب.

ج. همکاری در به دست آوردن حقوق، اختیارات و امکانات برای آمریکا و متفقین و رد کردن آن‌ها به مخالفت نسبت به منافع آمریکا.

د. کمک به ایران برای مستقر کردن و نگهداری نیروهای پشتیبانی تدارکاتی و رزمی قادر به انجام وظایف دفاعی احتمالی.

ه. ترغیب به همکاری منطقه‌ای نزدیک‌تر و مقاومت در برابر نفوذ کمونیسم.

و. افزایش دسترسی آمریکا به منابع نفتی عظیم. (ج ۱: ۴۲۳)

این اسناد به خوبی دلایل نگاه خاص و ویژه آمریکا به ایران را نشان می‌دهد. سند دیگری که مربوط به دوران قبل از انقلاب است و آمریکاییان می‌توانسته‌اند برنامه خود را در تهران پیاده کنند:

وزارت امور خارجه، سرّی، ۲ ژانویه

۱۹۷۷، ۱۲ دی ۱۳۵۵

دسترسی به موقعیت بی نظیر سیاسی

جغرافیایی ایران

ما محل مناسب دیگری نداریم که بتوانیم از خاک آن این استفاده‌ها را که در خاک ایران می‌بریم داشته باشیم. نقطه عملیات دستگاه‌های اطلاعاتی

آمریکا در ایران گزارش قاطعی درباره عملیات نظامی شوروی به خصوص در زمینه پیشرفت‌های موشکی و در مورد همبستگی شوروی با پیمان سالت (SALT) در اختیار ما قرار داده است و حق پرواز بر خاک ایران برای ما مسیر مناسب هوایی بین کشورهای اروپایی و کشورهای شرق ایران به وجود می‌آورد. به علاوه حق فرود آمدن از لحاظ تحت نظر داشتن دریای عمان و مرزهای شوروی برای ما اهمیت خاصی دارد.

تهیه نفت برای آمریکا و متحدان او

اگرچه ایران یکی از اولین افزایش‌دهندگان قیمت نفت بوده و وجود ما را در این موضوع فراموش کرده ولی به هر حال ایران مقدار زیادی نفت برای آمریکا و متحدانش صادر می‌کند و بیش از ۸ درصد نفت وارداتی ایالات متحده از ایران وارد می‌شود. بیش از ۱۶ درصد نفت ایران نیز برای اروپای غربی و تقریباً ۲۴ درصد برای ژاپن می‌رود و ۷۰ درصد نفت اسرائیل هم از ایران تأمین می‌شود. با وجود کشمکش‌های لاینفک در روابط خریدوفروش، ایران برای ما یک منبع نفتی مستقل بوده است. ایران در سال‌های ۷۴-۱۹۷۳ برخلاف پیمان اعراب در تحریم حمل و نقل نفت به اسرائیل شرکت نکرد و صدور نفت خود را به این کشور تاکنون ادامه داده است. رهبران ایران غالباً اظهار داشته‌اند که ایران در جنبش‌های سیاسی تحریمی شرکت نخواهد کرد. (ج ۱: ۴۲۶ و ۴۲۷)

در سند دیگری که مربوط به اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۷ و آخرین ماه‌های عمر حکومت پهلوی است، در تحلیل سفارت آمریکا از روابط ایران و آمریکا آمده است:

روی هم رفته روابط ایران و آمریکا عالی است. این روابط در پی مسافرت شاه به واشنگتن در نوامبر و بازدید رئیس‌جمهور ما از تهران در اواخر دسامبر تقویت و تأیید شد. روابط ما مبنی بر منافع امنیتی دو جانبه و دید مشترک نسبت به تقریباً تمام جریان‌های مهم ناحیه‌ای و بین‌المللی است. ایران با قدرت و نفوذ فزاینده‌ای که دارد همواره آماده بوده تا به طریقی نقش فعال‌تری در امور منطقه ایفا کند، تا منافع خودمان تأمین گردد. (ج ۱: ۲۱۰)

تأکید بر این امر که با فعال‌تر شدن نقش ایران در منطقه، «منافع خودمان» بهتر تأمین

می‌شود. البته با این حال، رویکرد آمریکاییان و سفارت آمریکا در تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تغییر چشمگیری یافت و سفارت آمریکا رسماً به‌عنوان لائۀ جاسوسی به فعالیت پرداخت. بررسی اجمالی چند سند نیز این امر را نشان می‌دهد:

آن‌ها رسماً در مکاتباتشان اعلام می‌کنند که جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام انقلابی را نمی‌خواهند و تلاش‌هایی در جهت انحراف نظام از این مسیر خواهند کرد. به‌عنوان نمونه در یکی از این اسناد، **ساندورز** به نیوسام می‌نویسد: «ما می‌خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه‌رو باشد و ناسیونالیست‌های مخالف روحانیت، تسلط بیشتری در ادارهٔ مملکت داشته باشند و در ضمن تا قبل از استقرار دولت جدید ما می‌توانیم طریق نفوذ در ایران را امتحان کنیم. بایستی موقعیتی توأم با اطمینان و احترام را در ایران رواج دهیم. ما معتقدیم که بایستی حالا شروع به رفع مسائل دو طرف بکنیم و پیشنهادهایی ارائه دهیم.» (ج ۱: ۶۹)

اهداف مشخصی نیز برای این امر طراحی و پیشنهاد می‌شود. در سند فوق‌الذکر یکی از راه‌ها برای رسیدن به هدف آمریکاییان را برای مثال فرستادن افراد مهم برای ملاقات با افراد مذهبی و غیر مذهبی و همچنین به کار بردن صدای آمریکا (VOA) می‌داند که پیام‌های سیاسی را بدهد و زبان انگلیسی بیشتر یاد داده شود و مجله منتشر گردد.» (ج ۱: ۶۲)

در کنار این نامه چندین تحلیل و راهکار دیگر در زمینه‌های مختلف برای اسقاط نظام و یا حداقل دوری نظام از اهداف خود پیشنهاد شده است. به‌عنوان نمونه به یکی از این اسناد اشاره می‌کنیم. در این تحلیل که در مهرماه ۱۳۵۸ و حدود یک ماه پیش از تسخیر لائۀ جاسوسی، نگاشته شده، آمده است:

تد عزیز:

در انتهای دومین ماه اقامت در تهران ممکن است برای من، و شاید هم برای شما، مفید باشد که تحلیلی از اوضاع کنونی بکنم و کارهایی را که در شش ماه آینده در رابطه با افزودن منافع آمریکا در ایران می‌بایست انجام داد، بگویم... من حداقل دو سناریو و برنامه را که می‌تواند منجر به هرج‌ومرج و سقوط تدریجی حکومت

ایران شود در نظر دارم. یکی نیروهای تمرکز یافته که توسط نارضایتی‌های منطقه‌ای و قومی تحریک شده باشد و اگر با این‌ها به‌اندازهٔ کافی به طرز غلطی روبه‌رو شوند، ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند یا اقتصاد سنتی را از هم بپاشند یا جوری ملی‌گرائی را خراب کند که توده‌ها با رهبران مذهبی بی‌عرضه خود مخالف شوند. نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس و هر دو می‌تواند باعث بسته شدن مدارس برای مدت طولانی بشود و در نتیجه باعث نارضایتی عمومی گردد یا تبدیل به خشونت‌های افراطی بشود و مردم دوره‌های چهل روزهٔ عزاداری را که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت از سر شروع کنند (ایرانی‌ها یک علاقهٔ شدید و غیرطبیعی برای عزاداری دارند و همچنین مانند بقیۀ جهان سوم در برابر خواسته‌های جوانانشان تسلیم هستند).

(ج ۱: ۱۳۸ و ۱۳۹)

پیشنهادهایی که در این تحلیل ارائه شده نیز قابل تأمل است:

«من معتقدم که اگر ما عقیده‌مان را راجع به تجاوزاتی که در مورد حقوق بشر در ایران می‌شود ابراز کنیم در درازمدت به نفع آمریکا خواهد بود. ما می‌بایست موضع مستحکمی نسبت به آن دسته از رهبران ایرانی که ما را امپریالیست و پادوی صهیونیست‌ها می‌خوانند یا ما را متهم به دخالت در امور داخلی ایران می‌کنند بگیریم. بالاخره ما مصراً می‌باید مخالفت خود را با اخراج خبرنگاران آمریکایی ابراز داریم. از طرف دیگر من متقاعد شده‌ام که ایران امروز سست و متزلزل شده است. بنابراین از برخورد مستقیم می‌بایست احتراز کرده و با هر حادثه یا بیانیهای به‌صورت مخصوص و محدودی عکس‌العمل نشان دهیم... من علی‌الخصوص با نقشهٔ طولانی کردن برنامهٔ فارسی رادیو صدای آمریکا و موفقیت اخیرمان در جا دادن فیلم‌های آژانسی در تلویزیون ملی نظر مثبتی دارم. چون همان‌طور که قبلاً گفتم در این ارتباط تودهٔ مردم از اولویت خاصی برخوردارند.»

(ج ۱: ۱۴۱ - ۱۴۲)

دقت در برنامه‌های ارائه شده برای رسیدن به اهداف آمریکاییان محل تأمل جدی است؛ چرا که بسیاری از این برنامه‌ها هم‌اکنون نیز در حال اجرا شدن است و مراقبت بیشتری را می‌طلبد.

**اسناد منتشر شده
ده‌ها موضوع
کوچک و بزرگ
در شیوه‌های
اعمال سلطه و
نحوهٔ مداخله در
امور ایران و سایر
کشورها توسط
آمریکا را نشان
می‌دهد**